

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۵

بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار با تکیه بر دیدگاه سفرنامه نویسان

سکینه دنیاری^۱ (نویسنده مسئول)

محمد رضا علم^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱

چکیده

از دوران کهن، شرق و جاذبه‌های آن همواره حس کنجکاوی سیاحان جهان و به ویژه اروپایی‌ها را تحریک می‌کرد. به همین دلیل تاریخ شاهد تعداد کثیری جهانگرد و سیاح بوده که همواره سفر به سرزمین‌های شرقی را برای ارضای حس کنجکاوی و پژوهشگری خویش انتخاب می‌نمودند. این گردشگران با سفر به کشورهای با تمدنی کهن همچون ایران هم خود از تجارب عظیم بهره‌مند می‌شدند و هم به گزارش مشاهدات خود در شرق، سایر جوامع بشری را از تحولات در این منطقه جهان آگاه می‌نمودند. کشور ایران یکی از کشورهایی بود که شاید بیشترین این سیاحان را به خود جلب می‌کرد. از رهگذر این توجه امروز بخشهای زیادی از تاریخ ایرانی براساس سفرنامه‌های این افراد شکل گرفته، در مقاله حاضر تلاش می‌شود که اوضاع اجتماعی و پایگاه اقتصادی زنان ایران دوره قاجاریه با تکیه بر همین سفرنامه‌ها که نگاهی دقیق به نیمی از جمعیت ایرانی است به رشته تحریر درآید. روش پژوهش مبتنی بر کار کتابخانه‌ای و عمدتاً بر یک مطالعه تاریختحلیلی استوار است. سؤال اصلی تحقیق این است که وضعیت اجتماعی زنان در دوران قاجار چگونه بوده است؟

واژگان کلیدی: زنان، قاجار، وضعیت اقتصادی، حرمسرا، ازدواج، پوشش.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه شهید چمران اهواز SakineDonyari@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز mramal36@yahoo.com

مقدمه

زنان در ایران باستان نقش مهمی در امور خانواده و امور سیاسی داشتند. نقش زنان در دوره‌های مختلف از عصر باستان تا دوره قاجار به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت بوده است. زنان در دوره قاجار نیز نقشهای متفاوتی ایفا کرده‌اند و زنان درباری در امور سیاسی فعال بودند و در این دوره نقش اجتماعی زنان پررنگ تر از گذشته شده چنان‌که زنان در امتیاز رژ، بحران تنباکو و مشروطه نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در این دوره سیاحان زیادی با اهداف مختلف سیاسی و اقتصادی به ایران سفر کرده و مشاهدات خویش را که سرشار از نکات اجتماعی و اقتصادی این دوره می‌باشد، به نگارش درآورده‌اند. از جمله مباحث این سفرنامه‌ها وضعیت قشرهای مختلف جامعه، و زنان اعم از زنان طبقات بالای جامعه (زنان دربار) و زنان روستایی و عشایر می‌باشد. بر همین اساس این پژوهش بر مبنای سؤال اصلی ذیل است که: «وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار چگونه بوده است.» بر این اساس فرضیه ما می‌تواند این باشد که: وضعیت اجتماعی زنان در دوران قاجار با توجه به موقعیت اجتماعی آنان که روستایی، شهری، درباری و اشراف باشند در امر ازدواج، نوع پوشش، سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی متفاوت بوده است. در واقع هدف از این پژوهش بررسی وضعیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی زنان در دوران قاجار با تکیه بر سفرنامه نویسان این دوره می‌باشد. با محورهایی نظیر نوع پوشش و لباس، سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، مراسم ازدواج و زنان درباری در این دوره می‌باشد. تحقیق حاضر پژوهشی نظری (توصیفی) بوده و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای که براساس نوشته‌های سفرنامه نویسان در این دوره که از منابع دست اول و همچنین برخی منابع و پژوهش‌های جدید گردآوری شده است.

پوشش بانوان در دوره قاجار

زنان در ایران باستان و در دوره امپراطوری ساسانیان "بیش از دوره‌های دیگر دارای حقوق اجتماعی شده، و از بعد سیاسی زنان اشرافی همچون سایر دوره‌های تاریخی در پشت پرده حضور فعال خود را حفظ نموده‌اند و با استفاده از حربه‌های زیرکی و زیبایی و حتی کیاست و درایت در شاهان و درباریان نفوذ داشتند و خواسته‌های خود را به اجرا درمی‌آوردند."^۱ در اوایل ظهور اسلام با آشکار نمودن ارزش‌های والای زنان، آنان به جایگاه واقعی و حقوقی خود در جامعه پی بردند. زنان از طریق بیعت با پیامبر (ص) مشارکت سیاسی خود را آغاز نمودند^۲ در تاریخ ایران دوره اسلامی و آغاز حکومت‌های ایرانی و ترک نیز زنانی فعال در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی وجود داشتند. در دوره سامانیان مادر نوح ثانی (۳۶۳-۳۸۷ ه.ق)، در دوره

۱. نولدکه، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها، ص ۱۷۳.

۲. العالمی، الصحیح من سیره النبی، ج ۳، ص ۳۰۹.

دیلمیان سیده خاتون مادر مجدالدوله دیلمی (۳۸۷۴۲۰ ه.ق) سلجوقیان، آلتونجن زوجه طغرل بیگ، زنانی فعال در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی می‌باشند. در دوره حکمرانی مغولان نیز به کرات شاهد آنیم که زنان به تخت امپراطوری هر چند به مدتی کوتاه تکیه زده‌اند. در دوره تیموریان گوهر شاد آغا همسر شاهرخ (۸۰۷۸۵۰ ه.ق) نیز دارای نقشی مهمی در امور فرهنگی می‌باشد. در دوره صفویه موقعیت زنان کاهش می‌یابد ولی با این وجود زنان حرمسرا در امور سیاسی مداخله داشتند. در دوره حکومت قاجار علی‌رغم محدودیت‌هایی که برای زنان وجود داشت ولی زنان حرمسرا نفوذ خود را در جریان‌های سیاسی افزایش دادند. و در جریان‌هایی مانند بحران تنباکو و جنبش مشروطه فعالیت‌های خود را بیشتر از دوره‌های دیگر دنبال کردند. پوشش بانوان در دوره قاجار متنوع بوده و نوع پوشش زنان طبقات اشراف و زنان طبقات متوسط و ضعیف در نقاط مختلف، متفاوت بوده است. همچنین نوع پوشش زنان و مردان در فصول (زمستان و تابستان)، نوع لباس زنان در خانه و بیرون از خانه، نوع پوشش زنان بختیاری و ترکمان تفاوت‌هایی داشته است. در خانه، زن معمولاً سر خود را با پارچه شالی می‌پوشاند که گوشه‌های آن از پشت آویزان است. پیراهن عبارت است از پارچه ای نازک و ابریشمین به رنگ صورتی یا آبی گلدوز شده با حاشیه‌های طلایی. کلیجه ای که به کلیجه مردان شبیه است پوشش بالا تنه را تکمیل می‌کند. زن ایرانی به جای دامن معمولاً چند زیر شلواری می‌پوشد که به زیر جامه موسوم است. و روی آن باز شلوار گشاد چین دار دیگری به پا می‌کند، موسوم به جامه که از جنس ابریشم لطیفی است و این همه تا حدود ثلث ساق پا می‌رسد. در اثر زیادی زیرجامه‌ها و جامه پرچین روی آن‌ها، لباس خانم‌ها به صورت پف کرده در می‌آید.^۱ پیراهن بانوان ایرانی نیز بمانند پیراهن شوهرانشان بسیار کوتاه است. پیراهن با دکمه ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می‌شود. پارچه پیراهن‌ها را از ابریشم گلدوزی شده انتخاب می‌کنند و دور یقه آن دو سه ردیف مروارید کوچک می‌دوزند.

از روی پیراهن نیم تنه ای بنام (ارخالق) که معمولاً از اطلس آستر دار است بر تن می‌کنند. لباس روئی زنان چاپگین می‌باشد، جامه یی یقه جلو بازی است که زیر کمرگاه آن سه دکمه کنار هم دوخته‌اند (چاپگین) از چپ بر است روی هم افتاده است و در سمت راست دگه می‌خورد. جنس پارچه شلوار زنان نیز بمانند مردان بسیار متفاوت است. شلوار معمولاً از پارچه‌های زری یا ابریشم دوخته شده غالباً با مروارید هائی تزئین می‌شود^۲ لباس زنان ایرانی در خانه، بسیار نمایشی و پرطمطراق است. روی بازوان و بالای اندام را تنها با پیراهن زیرپوش ماندنی که از توری نازک دوخته شده است، می‌پوشانند و روی آن را با دست، نقش و نگار یا با سنگ‌های قیمتی گل بوته می‌دوزند. ضمناً چند قطعه جواهر نیز این پوشش بدن نما را کامل می‌کند.^۳ وقتی چاقچور، یا شلوار گشاد و بلند و کف دار زنانه که در کوچه و بازار به پا می‌شود، نو است به

۱. پولاک، سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ص ۱۱۶.

۲. دروویل، همان منبع، صص ۶۴-۶۳.

۳. سرنا، سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص ۲۲۹.

رنگ‌های آبی روشن، سبز، بنفش مایل به ارغوانی سیر، بی رنگ یا سیاه است، اما انواع رنگی آن به سرعت کهنه می‌شود و رنگ می‌بازد و قابل پوشیدن نیست. چاقچور در قسمت کف پا تنگ می‌شود و پاچه‌های شلوار جمع شده در آن جای می‌گیرد و برای آنکه گرد و خاک به پا ننشیند وسیله ای بسیار خوب است.^۱ رنگ‌های لباس مردان و زنان روستایی متفاوت بود.

مردها لباس تیره می‌پوشند و لباس‌های زنان به رنگ قرمز است.^۲ لباس مردان و زنان روستایی معمولاً از پارچه‌های پنبه ای درست می‌شود که غالباً رنگ آبی تیره ای دارد و اغلب کوتاه است و از زانو بیابین نمی‌آید و ساق پا را نمی‌پوشاند. زنان سرهای خود را با پارچه ای می‌پوشاند و یا چارقدی بسر می‌اندازند و غالباً چادرهای شطرنجی سفید و آبی دارند که از بافته‌های دست خود آن‌ها است.^۳ زنان روستایی دامنه‌های نسبتاً بلندی می‌پوشند و گاه آن‌ها را با نوارهای قلاب دوزی و سوزن دوزی، یا آرایش لبه دامن‌ها تزئین می‌کنند. پیراهنی نخی و چسبان که عموماً سفید یا قرمز است و از جلو باز می‌شود روی دامن می‌پوشند و نیم تنه ای از جنس ضخیم‌تر، که معمولاً لایه دار است، روی پیراهن به تن می‌کنند. چارقد زنان روستایی از چیت ساده یا گلدار می‌باشد. لباس بیرون یا کوچه یک زن روستایی چادری سنگین است که اندازه آن برابر چادر چیت می‌باشد، لکن پایین آن گرد نشده است. گاه بر بالای چادر از دو سو نواری می‌دوزند که حلقه ای تشکیل می‌دهد و درست روی سر قرار می‌گیرد و چادر را مرتب در جای خود نگاه می‌دارد. جنس این چادرها از نخ ضخیمی است که در روستا، و توسط کسی که آن را بر سر می‌کند، بافته می‌شود. گاه در زمستان نیم تنه نخی، کت بافته از پشم و نخ راه راه به تن می‌کنند.^۴

لباس خانه زنان شهری بسته به سن، طبقه اجتماعی، و میزان روشنی فکر آنان، تا حد قابل ملاحظه ای، متنوع است. دامنه‌های کوتاه معمولی دیگر کمتر مورد استقبال آنان قرار می‌گیرد. از زیر دامنی استفاده می‌کنند و روی آن دامن می‌پوشند، دامن‌هایی که پشت آن برجسته و پیش آن افتاده تر و بلندتر است. زیر دامنی سفید رنگ و رنگ دامن با نیمتنه‌ها هماهنگی دارد. همراه با این دامنه‌های نه چندان بلند، شلووارهای بلند و تنگ سیاه یا سفید به پا می‌کنند؛ زنان مسن تر دامنه‌های بلندتر می‌پوشند. چارقد زنان مرفه یا از جنس پارچه ای نازک و پشت نمای سفارشی سفید و یا پارچه نازکی با طرح‌های مربع شکل و با از پارچه ای است که با ابریشم رنگی یا نخ طلائی یا نقره ای برودری دوزی شده است. سبک و ظاهر لباس کوچه و بازار زنان

۱. کولیور رایس، سفرنامه کلارا کولیور رایس: زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، صص ۱۲۵-۱۲۴.

۲. بارنز، سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار، ص ۹۰.

۳ - دالماتی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ص ۲۲۵.

۴. کولیور رایس، همان منبع، صص ۱۲۰ تا ۱۲۲.

شهری متحدالشکل، اما کیفیت آن تا حد زیادی متفاوت است.^۱ لباس زنان در خانه و بیرون از خانه متفاوت بود.

زنان به هنگام خروج از خانه خود را در چادر می‌پوشند. چادر از قماش نخی سفید دوخته شده و دامن آن گرد است. صورت را با پارچه ای به نام روبند می‌پوشانند. روبند پارچه نخی چهارگوشی است که با دو قلاب کوچک در بالای پیشانی بدستار می‌چسبد. در میان روبند شکاف افقی درازای باز کرده و آنرا توری دوزی می‌کنند. زنان به هنگام خروج از خانه چکمه‌های پارچه ای بندی که تا بالای زانو می‌رسد به پا می‌کنند. چکمه‌های مزبور به وسیله بند جوراب هائی نگه داشته می‌شود.^۲ زنان دارای هر وضع اجتماعی که باشند، همه‌شان بدون استثنا چلووار سبز، بنفش، خاکستری، یا قرمز رنگ کرمان‌اند. جوراب پاها را نیز می‌پوشانند، و دم پائی‌های پاشنه دار پوشاک یکنواخت همه زنان ایرانی است.^۳ همچنین اولیویه در ارتباط با پوشش زنان در بیرون از خانه می‌نویسد: «زنان چون از خانه بیرون روند، خود را در چادری پیچند. عصابه (سربند و دستار) و کَرزَن (گِرزن)، نیم تاجی که از دیبا باشد و اکالیل (جمع کلیل=سربندها و تاج‌ها) بر حسب شأن و شوکت و ثروت متفاوت باشد. چارقدی که برای پوشانیدن سر است، استعمال نمایند که به چندین صورت مختلف و گوناگون به کار برند و به پشت شانه افکنند و یا در زیر گلو سنجاق کنند، یا به دور حلق پیچند و یا دور سر بگردانند.»^۴

همچنین دوگوبینو در ارتباط با پوشش زنان در بیرون از منزل می‌نویسد: «زنان همه به طور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت و به ندرت ابریشمی به رنگ آبی تیره پیچیده‌اند که سرتا پایشان را می‌پوشانند. صورتشان را با قطعه ای پارچه سفید که زیر چادر پشت سرشان بسته می‌شود و از جلو تا روی زمین می‌افتد و محکم پوشانده‌اند که دیدن، حتی حدس زدن چهره‌هایشان را غیرممکن می‌سازد. قسمت جلو این پارچه محاذی چشمانشان به طور مشبک قلابدوزی شده تا بتوانند از ماورای این "روبنده" بیرون را ببینند و نفس بکشند. زیر این حجاب آبی تیره که "چادر" نامیده می‌شود و مخصوصاً برای پوشاندن سر تا فوزک پای زنان ساخته شده است، یک شلوار گشاد که وظیفه دامن را انجام می‌دهد می‌پوشند.»^۵ زنان طبقه فرادست چادرهایی از ساتن مشکی یا ابریشم گرانتقیمت به سر می‌کنند.^۶ زن‌های ایلاتی، بر طبق رسوم معمول

۱. کولیور رایس، صص ۱۲۲ تا ۱۲۴.

۲. دروویل، سفرنامه دروویل، صص ۶۵-۶۴.

۳. سرنا، سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص ۷۴.

۴. اولیویه، سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ص ۱۵۶، در ارتباط با نوع پوشش زنان در بیرون از خانه: ر.ک: دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحتی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، صص ۲۹۱ تا ۲۹۳.

۵. دوگوبینو، سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)، ص ۴۰۴.

۶. کولیور رایس، ص ۱۲۴.

صورت خود را نمی‌پوشانند.^۱ براون در ارتباط با زنان ایلاتی می‌نویسد: «زن‌های ایلات با این که مسلمان بودند صورت خود را زیر چادر پنهان نمی‌کردند.»^۲

در اندرون پوشش زن عموماً از شلیته کوتاهی است که به زیر کمر بند می‌شود، دامن لباس زنان عادی از لباس خانم‌های طبقه بالا بلندتر است. زنان در خانه گاهی نوعی چادرشپ رنگی خیلی سبک به سر می‌کنند. آنان سر خود را با چارقدی از ململ سفید می‌پوشانند و زیر چانه گره می‌زنند. پارچه لباس‌ها معمولاً از ابریشم یا از مخمل و یا از زری مزین به دست دوزیهای عالی و خیره‌کننده است.^۳ خانم شیل همسر وزیر مختار انگلیس که در دوره ناصرالدین شاه قاجار به ایران سفر کرد در ارتباط با نوع پوشش زنان هنگام رفتن به بازار می‌نویسد: «این پوشش که از نوک پا تا سرش را فراگیرد، به صورت زیر است: یک چادر بر سر می‌کند تا تمام صورت را بپوشاند و در جلو دارای دریچه مشبکی است که برای دیدن و نفس کشیدن تعبیه شده است. پس از آن "چاقچور" است که آنرا به جای چکمه و شلوار پیا می‌کنند و پیراهن زیرپوش خود را در آن جا می‌دهند.^۴ هرگاه در کوچه بر اثر تصادف حجاب زنی از صورتش بیفتد رسم چنین است که مردی که با او روبرو است روی بگرداند تا آن زن دوباره حجاب خود را مرتب کند.»^۵

موقعیت اجتماعی زنان را می‌توان از بهای کفش و یا ظرافت و ارزش چادر و روبند آن‌ها حدس زد. زنان مردم عادی که زندگی عاری از تکلف دارند چادرهای تنگ کرباسی که راه راه آبی و سفید دارد بر سر انداخته با یکدست آن‌ها را جمع و با دست دیگر صورت خود را می‌پوشانند و در اینحال فقط جلو چشمشان کمی باز می‌ماند.^۶ همچنین لباس زنان و مردان نیز تفاوت داشت. "شلوار گشادتر، اما آکنده از آستر (است) و تا پای ساقین، هیچ نمایان نباشد و معلوم نگردد. لباسی که از روی پیراهن در بر کنند، از پیش گشاده شود و به وسیله تکمه‌های ابریشمی یا فلزی بسته شود و تا به زانو برسد. کمر بند مفتول، گاه از طلا و یا نقره ساده، یا مرصع به جواهرات است و یا با سنگ‌های قیمتی تزیین شود."^۷

رو بند از جنس پارچه کتان ظریف یا قمیص تهیه می‌شود. قسمت چشمهای آن دارای یک شبکه دوزی به پهنای چهار اینچ است که با رشته‌های نخ به صورت تور درآمده و تنها از این طریق می‌توان به دنیای خارج نظر افکند. رو بند به وسیله یک سگک یا قزن قفلی به پشت سر محکم و بسته می‌شود. احتمال دارد این سگک از طلا، نقره یا برنج باشد و جنس آن به میزان عایدی شخص بستگی دارد. از آنجا که چادر و رو بند

۱. شیل، خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ص ۴۷.

۲. براون، یک سال در میان ایرانیان: مطالعاتی در خصوص وضع زندگی و اخلاق و روحیات ملت ایران، ص ۲۱۷.

۳. سرنا، سفرنامه مادام کارلاسرنا، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص ۷۵-۷۴.

۴. شیل، خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ص ۶۳.

۵. پولاک، ص ۱۵۶.

۶. دروویل، سفرنامه گاسپار دروویل، ص ۶۵.

۷. اولیویه، سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ص ۱۵۷-۱۵۶.

کاملاً چهره و بدن را می‌پوشانند و بازشناختن شخص را ناممکن می‌سازد، سگک برای شناختن فرد نشانه مفیدی است و در بیشتر موارد دوستان از روی آن یکدیگر را می‌شناسند.^۱ زنان در این دوره از جواهرات و زینت آلات برای زیبا کردن لباس‌های خود نیز استفاده می‌کردند. دروویل در ارتباط با جواهر آلات زنان متمکن می‌نویسد: "علاوه بر قطعات بزرگ جواهر و ده‌ها بازوبند بر بازو و حلقه ای بر انگشت دست و مرواریدهای درشتی برای تزئین کلاه خود دارند."^۲

زنان بیشتر از مردان جواهرات با خود همراه دارند. تمام تن و پیکر به انواع پیرایه‌های قیمتی آراسته است. بر سر، جقه، و بر گردن قلاده‌های ثمین و عصابه‌های گرانبها بر جبین و سینه، و رشته‌های مروارید درشت و آبدار حمایل کنند. کمربندهای مرصع در کمر، حلقه‌های انگشتری الماس و یاقوت در انگشت، و دستبندهای جواهر در ساعد و ساق پا دارند و حاشیه تمام زر، در لباس دوزند.^۳ زنان ایرانی نیز به زر و زیور از هر نوع و دست، مثلاً گوشواره، سنجاق مخصوصاً نگاهداشتن روبنده، دستبند و پابند، دل بسته‌اند. خانم‌های متشخص و از خانواده‌های برجسته اغلب تاج الماس گرانبهائی بر سر می‌گذارند.^۴ نوع موارد استفاده از جواهرات و زینت آلات خانم‌ها برای خود و لباس‌ها در بین طبقات ضعیف و ثروتمند متفاوت بوده است. زیور آلات شاهزاده خانم‌ها و طبقات ثروتمند به گونه ای ویژه تدارک می‌دید.

مهم‌ترین زیور شاهزاده خانم‌ها و زنان بزرگان تاجی سنگین است و به سر فشار وارد می‌آورد آنرا فقط در مواقع رسمی بر سر می‌گذارند و در مواقع غیر رسمی نیم تاجی بسر می‌گذارند که سبک تر است و با جواهر کم و پره‌های قشنگ تزئین شده است. این تاج را در روی پیشانی و یا بر یکطرف سر قرار می‌دهند. خانم‌های ثروتمند سینه ریزهای متعدد و گردن بندهای گرانبهائی دارند که از مرواریدهای درشت مخلوط بفیروزه و سایر جواهرات درست شده است.^۵ همچنین نوع پوشش بانوان بختیاری و زنان ثروتمند و ضعیف در بین آن‌ها نیز متفاوت بوده است.

زن‌های بختیاری تقریباً لباسی شبیه به لباس سایر زن‌های ایرانی به تن دارند به استثنای زن‌های خوانین، لباس دیگر از یک نوع پارچه زیر و خشنی است که به وسیله خودشان بافته می‌شود یا یک نوع چیت خارجی است که از فروشندگان دوره گرد خریداری می‌کنند. این لباس عبارت‌اند از یک شلوار بسیار گشاد و فراخ از حد تهیگاه تا روی قوزک پا و یک پیراهن سفید کتانی تا روی بند شلوار. غیر از این ژاکت‌ها گاهی اوقات در زمستان یک نوع بلوز پارچه ای نیز به همان طرح روی لباس‌های خود می‌پوشند. ژاکت‌های زن‌های خوانین

۱. کولیور رایس، سفرنامه کلارا کولیور رایس: زنان ایرانی راه و رسم زندگی آنان، ص ۱۲۵-۱۲۴.

۲. دروویل، سفرنامه گاسپار دروویل، ص ۶۳.

۳. اولویه، سفرنامه اولویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ص ۱۵۹.

۴. پولاک، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ص ۱۱۷.

۵. دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع

ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ص ۲۸۸.

که معمولاً با طلاگلابتون دوزی شده از یک نوع شال کشمیر یا پارچه‌های ابریشمی یا مخمل دوخته می‌شود. خانم‌ها تمایل شدیدی به استعمال زینت آلات زنانه از قبیل انگو، دستبند، بازوبند و گردن بند طلا و نقره دارند و همیشه مقداری از این زینت آلات را دور گردن و دست و بازوی خود آویزان می‌کنند. زن‌های بختیاری که در میان مرد بیگانه ظاهر می‌شوند چادر بسر می‌کنند ولی در میان قبیله و افراد خانواده خویش نقاب نمی‌زنند.^۱ لباس زنان بختیاری با لباس دیگر زنان ایرانی تفاوت بسیاری دارد. زنان تهیدست تر عمدتاً پیراهن‌های کرباس آبی سیر، دامنه‌های بلند، پیراهن و کت آستردار از همان جنس یا با نقش و جنس دیگر می‌پوشند و در زمستان‌ها گاه کتی با لایه ای از پنبه خام به تن می‌کنند. رو جامه آنان بر دامن می‌افتد و تقریباً تا زانو می‌رسد. دور سر، سربندهای متعدد می‌پوشند و روی همه آن‌ها شالی قرار دارد که دور سر و گردن می‌پیچند و بر شانه‌ها می‌افتد. بسیاری از آن‌ها مهره‌های سنگین و جواهر به سر و بر می‌آویزند. بعضی از آنان گیوه به پا می‌کنند. با وجود آنکه مجبورند، بار یا بچه به دوش گیرند، بسیار آرام و راحت و موزون گام بر می‌دارند. سبک لباس پوشیدن بی بی‌ها نیز همین گونه است، اما جنس و کاری که روی آن‌ها انجام شده است متفاوت می‌باشد.

بی بی، گونه ای چارقد که حاشیه ای از مهره‌ها یا سکه‌های طلا (اشرافی) دارد، به سر می‌کند. شال او ابریشمی است با حاشیه ای بسیار زیبا، و گاه دارای ریشه یا شرابهایی از طلا یا مروارید است. دختران جوان روسری‌هایی به رنگ‌های روشن سبز، سرخ، یا لاک‌ی به سر می‌کنند؛ روسری زنان مسن تر از ابریشمی است که تار و پود آن از رنگ‌های گوناگون تشکیل شده و آن را "سایه کوه" می‌خوانند. زنان ثروتمند جواهر بسیاری به خود می‌آویزند، از انواع دستبند، خلخال، گردن بند مروارید، و انگشترهای الماس یا اجناس دیگر، به عنوان زینت استفاده می‌کنند. زمانی که زنان طبقه فرادست به خارج از قلمرو خود سفر می‌کنند شلوارهای بسیار پرچین و گشاد به پا، چادر به سر، و نوعی نقاب کرباسی سیاه شبیه "پیچه" * زنان شهری دارند.^۲ نوع کفش‌های زنان نیز متفاوت بوده است. در تهران پاره ای از زنان بزرگان و اعیان کفش‌های چرمی کوچک و سیاه رنگ که از اروپا بایران آورده می‌شود می‌پوشند ولی در ایلات و سایر شهرها بخصوص در اصفهان، زنان کفش‌های چرمی بی پاشنه بپا دارند که کفشان محلی می‌دوزند و رنگ آن‌ها قرمز و زرد و سبز است و نوک آن بیرون است. زنان بزرگان در اندرون کفش‌های بی پاشنه کوچکی می‌پوشند که رویه آن‌ها از پارچه مخمل یا ماهوت است و با دانه‌های مروارید کوچک گلدوزی شده است.^۳

۱. لایارد، سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ۱۰ صص ۷-۱۰۶.

(بر خلاف رویندهای سفید که روی چادر بسته می‌شود، پیچه‌ها را در زیر چادر به سر می‌بندند. پیچه خنک‌تر و بر چهره انداختن آن راحت تر است. (کولیور رایس، صص ۱۲۵-۱۲۴).

۲. کولیور رایس، صص ۶۳-۶۲.

۳. دالمانی، همان منبع، ص ۲۹۷، همچنین در ارتباط با کفش‌های زنان ر.ک: کولیور رایس، ص ۱۲۵.

کفش روستائیان از چرم شتر، و رویش از ریسمان با استحکام بافته شده که بسیار سبک و بادوام است.^۱ زن‌های بختیاری به ندرت جوراب به پا می‌کنند، آنان یک نوع پا افزار بنام گیوه که تخت آن چرم است و به وسیله خودشان بافته می‌شود به پا می‌کنند و بعضی اوقات نیز یک نوع کفش ساغری سبز رنگ چرمی که دارای پاشنه‌های بلندی است و در شهر دوخته می‌شود می‌پوشند.^۲

علاوه بر پوشش بانوان شهری و روستایی و اشراف و زنان بختیاری، پوشش بانوان ترکمن نیز متفاوت بوده است. "پوشش خانم‌های ترکمان عبارت است از یک دستار بلند سفید به شکل کلاه امرای ارتش (ولی بلندتر از آن) روی آن یک روسری سرخ یا سفید می‌اندازند که تا کمر می‌رسد."^۳ زنان ترکمان زینت آلانی نیز برای تزئین استفاده می‌کردند. فریزر در ارتباط با نوع پیراهن بانوان ترکمان و جنس آن و لباس زمستانی آن‌ها می‌نویسد: "این پیراهن معمولاً از ابریشم سرخ یا آبی و سرخ راه راه یا ابریشم و کتان، بسته به امکانات یا سلیقه پوشنده تهیه شده است. برخی از طبقات فقیر پیراهنشان از پارچه نخی آبی یا سفید است. آستین‌ها بلند و فراخ است. داشتن شالی خوب منتهای آرزوی زن ترکمن است. در زیر پیراهن تبنانی از همان قماش یعنی پارچه ابریشمی یا نخی یا هر دو به پا می‌کنند. و گاهی این پارچه عبارت است از ابریشم بسیار زیبای راه راهی که ایجه خوانده می‌شود. این تبنان در ناحیه قوزک پا بسیار تنگ‌تر از تبنان‌های زنان ایرانی است. در هوای سرد زنان به چنین پیراهنی بالاپوش گشاد و جلو بازی علاوه می‌کنند که جبه خوانده می‌شود، شبیه از آن مردان که عموماً از پارچه‌های ابریشمی و نخی و گاهی با لفاف تهیه می‌شود و گذشته از این‌ها پوستین‌های بلند نیم تنه نیز به کار می‌رود.^۴ بنابراین با توجه به نوشته‌های سفرنامه نویسان در این دوره نوع پوشش، استفاده از زینت آلات بانوان اشراف و ثروتمند در مقایسه با بانوان طبقات ضعیف متفاوت بوده است. همچنین نوع لباس زنان بختیاری و ترکمان نیز تفاوت داشت.

سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی زنان در دروان قاجار

در این دوره زنان علاوه بر فعالیت‌های درون خانه که شامل تربیت فرزندان و امور خانه داری بود سرگرمی‌ها و تفریحاتی نیز داشتند و به خرید در بازارها ساعت‌ها مشغول بودند. زنان برای خرید کردن از خانه خارج می‌شدند و در بازار ساعت‌ها از دکانی به دکان دیگر می‌رفتند که به نوعی سرگرمی آنان محسوب می‌شد. مشارکت زنان در محیط اجتماعی با پوشش‌های خاصی همراه بوده است. "هر گاه زنی به کوچه برود یا سوار بر اسب در معیت نوکرها از شاع عبور کند، چادری به رنگ آبی نیلی بر سر می‌کند و آن پوششی است که

۱. اولیویه، سفرنامه اولیویه، ص ۱۵۷.

۲. لایارد، سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ص ۱۰۷.

۳. بارنز، سفرنامه بارنز، ص ۲۷.

۴. فریزر، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران، ج ۱، صص ۴۵۸-۴۵۷، برای اطلاع از

لباس بانوان ترکمان ر.ک: سفرنامه پولاک، ص ۱۱۳.

تمام بدن، از سر تا به پا، در آن پیچیده می‌شود. در مقابل چهره، پارچه ای باریک و بلند به نام روبند آویخته است که مقابل قسمتی که چشم قرار گرفته قطعه ای بیضی شکل و پنجره پنجره برای دیدن تعبیه شده. روی لباس‌های زیر موقع خروج از منزل باز یک شلوار سبز یا آبی کم رنگ می‌پوشند که پاها را از انگشتان گرفته تا تهی گاه می‌پوشاند یعنی شلواری که به جوراب‌های دوخته شبیه است، به این شلوار چاقچور می‌گویند، کفش‌ها به طرز خاصی دوخته شده است و چندان کوچک است که فقط نوک پا در آن جای می‌گیرد و از قسمت کف پا بزرگ تا نصف پاشنه می‌رسد.^۱ گرترو دبل از سیاحان این دوره در مورد زنان و خرید آن‌ها در بازار می‌نویسد: "هر چه بیشتر در شهر قزوین پیش می‌رفتیم، خیابان‌ها باریک‌تر و پرجمعیت‌تر می‌شد. پر از مردان عبا به دوش و زنان چادر پوش که در جلو دکان‌ها مشغول خرید و فروش، میوه خوردن و گپ زدن بودند."^۲

اگر زنی خیال بازار رفتن داشته باشد، بندرت تنها می‌رود. احتمال دارد اجناس خاصی چون پارچه شلواری را خود بخرند. بسیاری از مغازه‌هایی که به آن‌ها سر می‌زنند، در به اصطلاح، کاروانسراها قرار دارد. محوطه‌هایی بزرگ و باز که دری به بازار دارند. در کاروانسراها تاجران حجره دارند که اجناس خاص مورد علاقه زنان را تهیه می‌کنند. مشاهده ایستادن کالسکه ای بر در ورودی یکی از این کاروانسراها، در حالی که گاه خواجه سرایی در محل ویژه کالسکه چی نشسته است و پنج شش زن با حجاب کامل و خندان و گفتگو کنان از آن پیاده می‌شوند، امری عادی است. آنان با شتاب به یکی از مغازه‌ها می‌روند، کف مغازه می‌نشینند و بهای اجناس مختلفی را که در معرض فروش و تماشای می‌پرسند. اگر خانم‌ها آنچه را می‌خواهند در مغازه ای نیابند به مغازه ای دیگر می‌روند. چک و چانه زدن رواجی تام دارد و اغلب زمان پرداخت وجه مشکلات قابل ملاحظه ای پیش می‌آید.^۳

تفریحات و سرگرمی‌های زنان با توجه به موقعیت اجتماعی آن‌ها که از طبقات اعیان و ثروتمندان، زنان خاندان قاجار و زنان طبقات پایین متفاوت بوده است. "زنان اعیان تقریباً تمام اوقات خود را به حمام رفتن، قلبان کشیدن، دید و بازدید، خوردن شیرینی‌های مختلف و میوه‌های چربی دار از قبیل گردو و پسته و بادام، نوشیدن چای و قهوه می‌گذرانند، بندرت ممکن است به خواندن کتاب یا نوشتن رقعه ای مشغول شوند."^۴ بالاخره، اگر مهمانی‌ها، زیارت‌ها، گردش‌های بازار را کنار بگذاریم، زنان ایرانی هر وقت دلشان بخواهد از خانه خارج می‌شوند.^۵ طبقه اغنیا و خانم‌های ثروتمند ایران در تمام عمر جز تعیش کاری ندارند و چون در فصول بهار و تابستان بر خلاف اروپا شکار ممنوع نیست قسمت اعظم عمر اغنیا و خانم‌ها بشکار و

۱. پولاک، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ص ۱۱۷-۱۱۶.

۲. بل، تصویرهایی از ایران، ص ۸۸.

۳. کولیور رایس، ص ۱۵۱.

۴. پولاک، همان منبع، ص ۱۵۷.

۵. دوگوبینو، سفرنامه کنت دوگوبینو، ص ۴۰۹.

تشکیل مجالس عیش و عشرت می‌گذرد.^۱ دالمانی در ارتباط با اوقات فراغت زنان شهری و طبقات متوسط و اعیان می‌نویسد: "مشغله زنان شهری متمول شهرنشین چیزی نیست که قابل ذکر باشد، فقط گاهی برای گذراندن وقت اقسام شیرینی برای منزل تهیه می‌کنند و سایر اوقات خود را صرف کشیدن قلیان می‌نمایند. طبقه متوسط به تهیه ناهار و شام می‌پردازند و بعضی هم بگلدوزیهای جالب توجهی مشغول می‌شوند و در فراهم کردن انواع مربا و ترشی مهارتی دارند. خواندن کتاب هم چندان معمول نیست، خانم‌های اعیان و اشراف دست بهیچ کاری نمی‌زنند."^۲

زنان ثروتمند اغلب خود در خانه شیرینی می‌پزند و از خوردن آن هم لذت زیادی می‌برند. بعضی مدام آجیل و تخم خربزه می‌خورند. بیشتر اوقات، ساعت‌ها قوری را روی منقل می‌گذارند و ظاهراً هر چه چای بیشتر دم بکشد، بیشتر آن را می‌پسندند.^۳ زنان طبقه متوسط یا حتی زنان محترم به صورت ناشناس به تنهایی به بازار و پیش طیب می‌روند، زنان بسیار ثروتمند با اسب و در معیت خدمه متعدد به دید و بازدید می‌روند.^۴ طبقه کم بضاعت هم که نمی‌توانند نظیر طبقه اغنیا تمام عمر را به عیش و عشرت بگذرانند و ناچارند کم و بیش کار کنند از کوچک‌ترین فرصت برای تفریح استفاده می‌نمایند و همین که روز جمعه شد تمام بازار و دکان‌ها تعطیل می‌شود و زن و مرد دسته دسته با غذا و آجیل و شیرینی به سوی باغ‌ها خارج شهر می‌روند و تا غروب فارغ از غم روز مشغول تفریح هستند.^۵

زنان ایرانی، به میهمان و سرگرم کردن دوستان خود علاقه وافر دارند. حمام، یا گرمابه عمومی رفتن یکی از جالب‌ترین و هیجان انگیزترین رویدادهای زندگی همه طبقات زنان ایرانی است. اغنیا در حیاط خانه خود دارای حمام کاملی هستند. حمام خصوصی تنها در خانه ثروتمندان وجود دارد؛ بقیه مردم به گرمابه‌های عمومی می‌روند.^۶ زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری بیشتر سرگرم انجام دادن امور خانه داری بودند. "در همه حال این زنان، صورت خود را به اهمیاتی بیشتر از زنان شهری می‌پوشند و در خانه اندرونی زیادتر مستور باشند. تمامی کار خانه خود را، خود انجام می‌دهند. پرستاری اطفال خود را، خود کنند و مباشر طبخ خود باشند. نگهداری گاو و گوسفند کرده، شیر و ماست و کره ترتیب داده تا شوهر آنان به شهر برده، بفروشند..."^۷ زنان روستایی بیشتر اوقات روزمره زندگی خود را در خانه و در کمک شوهران به سر می‌برند و زنان شهری برای تفریحات خود به بازارها می‌رفتند."

۱. دوگوبینو، سه سال در ایران، ص ۶۱.

۲. دالمانی، ص ۳۱۸.

۳. کولیور رایس، ص ۱۵۵.

۴. همان منبع، صص ۱۵۸-۱۵۷.

۵. دوگوبینو، سه سال در ایران، ص ۶۱.

۶. کولیور رایس، صص ۱۵۷-۱۵۶.

۷. اولیویه، ص ۸۵.

زنان طبقه مرفه معمولاً باسوادند و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند.^۱ رفتن به زیارت امام زادگان نیز مورد توجه زنان در این دوره بوده است. "رفتن به زیارت امامزاده‌ها یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه زنان است و البته خیلی می‌شود که از سوای زیارت به انجام دادن کارهای عادی و دنیوی هم می‌پردازند.^۲ زنان عصرهای پنجشنبه را غالباً به زیارت بقاع خارج شهر و یا سرزدن به قبور خویشاوندان اختصاص می‌دهند.^۳ زنان در مراسم عزاداری ماه محرم نیز مشارکتی فعال داشتند. در این دوره زنان علاقه فراوانی برای شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم و تماشای تعزیه داشته‌اند. خانم شیل می‌نویسد: "در هنگام برگزاری نمایش، سعی و کوشش این زن‌ها برای پیدا کردن جای مناسب، واقعاً دیدنی بود؛ این کار، فقط به داد و فریاد تمام نمی‌شد بلکه بعضی از آن‌ها پس از مدتی جار و جنجال، اغلب به جان هم افتاده و با کتک کاری و کوفتن لنگه کفش به سروصورت یکدیگر که گاهی به پاره کردن چادر نیز منتهی می‌شد، سعی در یافتن جای مناسب داشتند.^۴

در این دوره زنان به مسافرت نیز می‌رفتند. از جمله وسایل مسافرت برای زنان کجاوه بود. نوع وسیله ای که برای مسافرت استفاده می‌شد برای زنان شهری و روستایی و همچنین طبقات ثروتمند جامعه متفاوت بوده است. "راحت‌ترین وسیله مسافرت زنان کجاوه است که بر پشت قاطر می‌بندند و زنان در آن می‌نشینند. یکنوع وسیله دیگری هم هست که آنرا تخت روان می‌گویند و شاهزاده خانم‌ها با آن مسافرت می‌نمایند. تخت روان مانند یک واگن کوچک چوبی است که از جلو و عقب بقاطر بسته می‌شود. زنان دهقانی و خدمتکاران بر الاغ و اسب سوار می‌شوند."^۵ بنابراین سرگرمی زنان در این دوره، دید و بازدیدهایی که زنان از یکدیگر دارند، شرکت در مراسم تولد، ازدواج، سالروز، جشن‌های عمومی و خصوصی که پی در پی تجدید می‌شود و زیارت رفتن آن‌ها مربوط می‌شود.^۶ بعد از مسئله تفریحات و سرگرمی‌های زنان در این دوره جای دارد در ارتباط با مشاغل و کارهایی که زنان در جامعه برعهده می‌گرفتند و نقش اقتصادی خود را ایفا می‌کردند صحبت کرد. زنان از یک سو در فعالیت‌های مربوط به اقتصاد خانواده و از سوی دیگر در فعالیت‌های مربوط به اقتصاد جامعه مشارکت داشتند. در این دوره بررسی فعالیت‌های اقتصادی سهم دو حوزه یعنی زنان روستایی و عشایر و زنان بخش شهری حائز اهمیت می‌باشد. زنان روستایی و عشایر در بافتن قالی سهم به سزایی داشتند و با دستان خود قالی را می‌بافتند و برای فروش عرضه می‌کردند. زنان روستایی نیز در عرصه فعالیت‌های کشاورزی و مراحل کشت برنج نقش مهمی را ایفا می‌کردند. حوزه

۱. شیل، ص ۸۹.

۲. پولاک، ص ۱۵۸.

۳. شیل، ص ۸۹.

۴. همان منبع، ص ۶۹.

۵. دالمانی، ص ۳۲۲.

۶. دوگوبینو، سفرنامه کنت دوگوبینو، سه سال در آسیا، ص ۴۰۸.

وظایف زنان شهری نیز متفاوت بود. فریزر در مورد تقسیمات کار زنان و مردان ترکمانی می نویسد: "آنچه مربوط به کارهای خانگی و گله‌های گاو و گوسفند و محصولات آن‌ها باشد در دایره وظایف زنان قرار می‌گیرد. کار کشاورزی سهم مردان است. آنان شخم می‌زنند، و دانه می‌افشانند و آبیاری می‌کنند. در این مشغله هرگز زنی را نمی‌بینی که دست اندر کار باشد. این کار مردان موسمی و گهگاهی است و حال آنکه کار زنان دائمی و وقفه ناپذیر است.^۱

اشتغال زنان برحسب مقام اجتماعی آن‌ها و سکونتشان در شهر و روستا فرق می‌کند. در طبقات فقیر کلیه کارهای منزل را انجام می‌دهند؛ بقیه اوقات را به پشم ریزی می‌پردازند. آن‌ها دوک را زیر بغل نگاه می‌دارند و رشته‌های پشم از قرقه ای که آزاد است به پائین در حرکت است. از این نخ پشم که رشته‌اند جوراب، فرش و جل اسب می‌بافند.^۲ مشغله زنان قبایل و روستایی زیاد است. آن‌ها علاوه بر اداره کردن امور خانه و پرورش اطفال، کارهای دیگری از قبیل فرش‌بافی و پارچه بافی دارند. از اسبان و سایر حیوانات اهلی هم مواظبت می‌نمایند و گاو و گوسفندانرا می‌دوشند و از شیر آن‌ها کره، پنیر و غیره درست می‌کنند.^۳

در میان زنان روستایی پارچه‌های نخی محکم را برای تهیه لباس از آن‌ها می‌بافند. زنان از پشم شتر "عبا" هم می‌بافند و زنان ایلاتی از موی بز جنسی می‌بافند که چادرهای آنان از آن جنس است. صنعت ابریشم، یعنی پرورش کرم ابریشم، تابیدن نخ، و گاه ابریشم بافی، یکی از صنایع بزرگ ولایات همجوار در دریای خزر است. در یزد هزار دستگاه ابریشم بافی وجود دارد که بیشتر زنان با آن‌ها کار می‌کنند.^۴ بنابراین زنان روستایی علاوه بر تهیه مایحتاج خانه با کارهایی نظیر قالی بافی و پارچه بافی در فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشتند. از مهم‌ترین کالاهایی که زنان نقش مهمی در تولید آن داشتند قالی بافی بوده است. در بین زنان بختیاری نیز قالی بافی یکی از منابع مهم درآمد بوده است. "قالی بافی یکی از منابع بزرگ درآمد و ثروت بی بی هاست. آن‌ها زنان دیگر را به عنوان به کار می‌گمارند و دستگاه قالی بافی را نزدیک محل سکونت خود برپا می‌دارند تا بتوانند بر کار نظارت کنند. همه موارد مورد نیاز قالی در محل تهیه می‌شود. رنگ سازی و رنگ آمیزی اغلب رازهای سر به مهری است که در دست فرد یا خانواده می‌باشد."^۵ زنان در کشت برنج، که یکی از تولیدات مهم کشاورزی در شمال ایران می‌باشد نقش بسیار مهمی داشتند.

کشت برنج یکی از کارهای اساسی زارع گیلانی است. ابتدا نهال لطیف تازه روئیده آنرا نشا می‌کنند این نهال بتدریج نمو می‌کند و سرانجام زرد رنگ شده و خوشه خود را متمایل می‌نماید. دهقان پس از شخم زدن مزرعه را آب می‌دهد و پس از آن در گل راه رفته و زمین آماده کشت می‌کند... بقیه کارها مربوط بزنان

۱. فریزر، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ۴۵۶-۴۵۵.

۲. پولاک، ص ۱۵۷.

۳. دالمانی، ص ۳۱۸.

۴. کولیور ریس، ص ۱۸۰.

۵. همان منبع، ص ۶۳.

است که نهال را نشا کرده و همه روزه علف‌ها را از ریشه درآورند، محصول رسید، باز زن باید شلتوک را بکوبد و پاک کند تا برنج بدست آید برای اینکار شلتوک را در هاونی ریخته و اهرمی را که در سر آن قطعه چوب بزرگی قرار دارد با پاهای خود بحرکت در می‌آورد و شلتوک را می‌کوبد.^۱

زنان یهودی نیز بیشتر برودری دوزیهای را که توسط زنان مسلمان انجام می‌شود، انجام می‌دهند و رویه‌های گیوه ظریفی می‌بافند. زنان ارمنی بافتنی‌های زیبایی می‌کنند و جوراب‌ها و کیف‌های ابریشمی جالبی، با طرح‌های استادانه، می‌بافند. بر روی مخمل کارهای جذابی با نخ‌های طلایی و نقره‌ای انجام می‌دهند و گاه در برودری دوزیهای خود از قسمت‌هایی از پيله کرم ابریشم استفاده به عمل می‌آورند.^۲ زنان بخش شهری در این دوره در بخشی از کارگاه‌های تولیدی مشغول به فعالیت بودند و بخشی دیگر نیز در صنایع دستی کشور و بافتن قالی نقش داشتند.

ازدواج و مراسم عروسی در دوران قاجار

در بررسی زنان عهد قاجار محور دیگر که مورد توجه این تحقیق بوده است مسئله ازدواج زنان در این دوره می‌باشد. از جمله رایج‌ترین شکل ازدواج عقد دائم بود که طبق آن یک مرد می‌تواند چهار زن عقدی داشته باشد. از دیگر شیوه‌های رایج ازدواج صیغه کردن یا ازدواج موقت می‌باشد. صیغه به هیچ وجه محدودیتی از نظر تعدد زوجات ندارد ولی در آن دوره ازدواج محدود است و البته هیچگاه به بیشتر از نودسال نمی‌رسد.^۳ مدت صیغه ممکن است که چند دقیقه یا یکسال و یا ده سال و یا زیادتر باشد و زنی که به این ترتیب به عقد ازدواج در می‌آید در عوض از او مبلغی مهر دریافت می‌کند. اطفال یک زن صیغه مانند اطفال یک زن دائمی از میراث پدر برخوردار می‌شوند.^۴ فرزندان زن‌های صیغه معمولاً با بچه‌های زنان عقدی در شرایط مساوی زندگی می‌کنند مگر آنکه یکی از زن‌ها، استثنائاً متعلق به خانواده قاجار باشد و یا از طبقه‌ای به شمار آید که بر شوهرش برتری فراوان داشته باشد. مردها معمولاً زن‌های عقدی خود را از خانواده‌های هم طراز انتخاب می‌کنند، در حالیکه زن‌های صیغه را از طبقات پایین برمی‌گزینند، تا در ضمن سمت خدمتکار، زن‌های عقدی را هم داشته باشند.^۵ در خانواده‌های کم درآمدتر دخترها را در ده یا یازده سالگی شوهر می‌دهند. در خانواده‌های معتبر به دختران در سن دوازده یا سیزده سالگی جهیزیه می‌دهند.^۶

۱. نیکیتین، خاطرات و سفرنامه موسیو نیکیتین قنصل سابق روس در ایران، ص ۱۳۵-۱۳۴.

۲. کولیور رایس، ص ۱۷۸.

۳. شیل، ص ۸۶.

۴. براون، یک سال در میان ایرانیان، ص ۴۱۶.

۵. شیل، ص ۸۶.

۶. پولاک، ص ۱۴۱.

معمولاً نامزدها بسیار جوان هستند. پسر بین پانزده تا شانزده سال و دختر بین ده تا یازده سال نامزد می‌شود.^۱ ازدواج معمولاً در سن پایین صورت می‌گرفت. این مسئله در خانواده‌های کم درآمد بیشتر دیده می‌شد. با توجه به اینکه سن ازدواج پایین بود دوران کودکی دوران آموختن مهارت‌های خانه داری و همسر داری محسوب می‌شد اغلب صرف تربیت برای برعهده گرفتن نقشهای دوره بزرگسالی می‌شد.

مونس الدوله در خاطرات خود می‌نویسد: «دخترها را از سن هفت تا نه سالگی به خانه همسایگان و دوست و آشنا می‌فرستادند تا به آن‌ها راه و رسم کدبانوگری را یاد بدهند... دختر چادر چاقچور می‌کرد و همراه مادر یا خواهر بزرگ‌اش برای کارآموزی به خانه در و همسایه می‌رفت و تا غروب آنجا می‌ماند. ناهار را نیز همانجا صرف می‌کرد. زن صاحب خانه طرز جارو کردن، آشپزی، دوخت و دوز و همه ریزه کاری‌های خانه داری را به دختر یاد می‌داد و بعد روانه‌اش می‌کرد...»^۲ زن و شوهر آینده هرگز شخصاً در امر عروسی دخالت ندارند. این کار به عهده پیرزنانی گذاشته می‌شود که شغل دیگری جز این ندارد. شوهر آینده مبلغی به عنوان مهریه به گردن می‌گیرد، اما تهیه زر و زیور و وسائل آرایش عروس هم چنین حجله عروسی به عهده مادر داماد است.^۳ برخی عقود فی مابین دخترعمو و پسرعمو و دخترخاله و پسرخاله و دختردانی و پسرعمه است.^۴ برگزاری مراسم عروسی در خانواده‌های ثروتمند و فقیر جامعه متفاوت بوده است: "در خانواده‌های ثروتمند عروسی با جلال و شکوه بسیار برگزار می‌شد و اغلب هفت تا هشت روز طول می‌کشید. در تمام این مدت، هم در خانه داماد، و هم در منزل پدر و مادر عروس مهمانی‌ها و سور و سرورها برپا می‌گردد.^۵

وقتی عروسی را که در خردسالی نامزد شده است به خانه شوهر می‌برند، اگر ثروتمند باشند او را سوار بر کالسکه، و اگر از عهده آن برنیایند سوار بر الاغی می‌کنند و در حالی که بهترین لباس‌هایش را بر تن کرده او را راهی خانه شوهر می‌کنند.^۶ در شهرها فقط خان‌ها و مأمورین دولت سه تا چهار زن می‌گیرند؛ اصناف پیشه ور و بازرگانان نمی‌توانند از عهده مخارج چند زن برآیند و از طرف دیگر چون از بی نظمی و ولخرجی بیزارند به یک همسر اکتفا می‌کنند. در دشت‌ها و همچنین نزد قبایل چادرنشین رویه یک همسری رواج دارد؛ حداکثر آنکه یکی از روسا دو تا سه زن بگیرد.^۷

بعضی از سفرنامه‌نویسان در این دوره نوشته‌اند که عقد و ازدواج هر طبقه با طبقه خاص خود انجام می‌گیرد: "و بسیار کم دیده شده است که مابین اهل نظام و کسبه عقد مزاجت منعقد گردد، و به همین

۱. دوگوبینو، سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)، ص ۴۰۶.

۲. مونس الدوله، خاطرات مونس الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه، ص ۳۰۵.

۳. دروویل، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۴. ویلز، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار، ص ۱۰۴.

۵. پولاک، ص ۱۴۸.

۶. کولپور ریس، ص ۱۱۰.

۷. پولاک، ص ۱۴۷.

لحاظ است که هر یک از تجار ایران از جهت پسر خود دختر تاجری را عقد می‌کند و ارباب صنایع از ارباب صنایع دختر می‌گیرند و...^۱

همچنین زنان ایلاتی از جمله زنان ترکمان و بختیاری نیز دارای آداب و رسوم خاص خود بوده‌اند. "در میان بختیاری‌ها هم مانند سایر مردم خاور زمین، ازدواج و عروسی در سنین پایین انجام می‌گیرد و اطفال در سنین کودکی با هم نامزد می‌شوند. پسرها اغلب در سن چهارده سالگی یا پانزده سالگی و دخترها در دوازده سالگی یا قبل از آن ازدواج می‌کنند و بندرت در بین خوانین کسی پیدا می‌شود که بیش از یک زن نداشته باشد."^۲

ترکمانان همچون مسلمانان سهولت و سادگی وارد مرحله زناشویی نمی‌شوند، تماس‌هایی بین طرفین پیش می‌آید که به عشق می‌انجامد. داماد شخصاً متعهد می‌شود که تعداد زیادی شتر و اسب به عنوان بهای عروسی بپردازد. اگر داماد ثروتمند باشد شیربهای درنگ تأدیه می‌شود و اگر همان طور که غالباً پیش می‌آید ثروتی نداشته باشد خود را موظف می‌داند که دینش را ادا کند.^۳ فریزر در ارتباط با آداب عروسی و مراسم ازدواج و لباس بانوان ترکمانی می‌نویسد: "زنی که عروس می‌شود سربند او از نوعی سخت زیبا اما توصیف ناپذیر است. آن دارای ساخت عظیم دژمانندی است که تشکیل شده از چارچوب نی‌ای (ساخته شده از نی) پوشیده از ابریشم سرخ، آراسته با انواع و اقسام سکه‌ها و سنگ‌ها و صدف‌ها که از روی سر به بلندی پانزده الی هیجده اینچ (=۳۸ الی ۴۶ سانتیمتر) امتداد دارد و پهنای آن رفته رفته رو به جلو بیشتر می‌گردد. ترکمن‌ها زنان خود را حبس نمی‌کنند و از مراوده اجتماعی میان زنان و مردان مانع نمی‌شوند و وصلت‌های عشقی میان آنان رایج و متداول است."^۴ در این دوران طلاق نیز با شرایطی صورت می‌گرفت. "طلاق یا با توافق طرفین انجام می‌پذیرد یا در صورت خارج شدن زن از جاده عفاف و یا بدون هیچ موجبی به محض اینکه شوهر آماده باشد مهریه زن را بپردازد"^۵ معلوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی. ترکمن‌ها حق دارند بی‌چون و چرا زنان خود را طلاق دهند اما زن‌ها نیز در سه مورد زیر حق درخواست طلاق دارند: اولاً هنگامیکه شوهران از دادن نفقه عاجز باشند، ثانیاً در صورتیکه به قید قسم ثابت کند که مرد تمایلات انحرافی دارد، ثالثاً موقعیکه به قید قسم شوهر خود را به ناتوانی جنسی متهم سازند.^۶ زنان را اغلب بعلت مریض بودن یا نابینا شدن یا نیاوردن اولاد طلاق می‌دهند.^۷ باید دانست که طلاق بیشتر در طبقه بی

۱. ویلز، ص ۱۲۳.

۲. لایارد، سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ص ۱۰۸.

۳. بارنز، ص ۴۳.

۴. فریزر، ۴۶۰-۴۵۹.

۵. پولاک، ص ۱۵۰.

۶. دروویل، ص ۱۲۶.

۷. دالمانی، ص ۲۷۰.

بضاعت واقع می‌گردد و در طبقه اعیان اشراف و توانگران کمتر واقع می‌شود زیرا که از ترس گرفتار شدن بکینه ورزی اقوام زن و یا از ترس فاش شدن اسرار محرمانه خود کمتر بچنین عملی مبادرت می‌نمایند.^۱ زنان بعد از طلاق می‌توانستند ازدواج مجدد داشته باشند. "در میان روستائیان و قبایل عشایر گرفتن زن بیوه بسیار رایج است و بسا می‌شود که مهریه زیادتری برای زن بیوه معین می‌کنند، این مزایا برای اینست که زنان پرتجربه هستند و در خانه داری و پختن و دوختن لباس و بافتن فرش مهارت دارند."^۲

حرمسرا و بانوان در دوره قاجار

در این دوره زنان درباری شرایط متفاوتی از زنان عادی، روستایی و شهری داشته‌اند. معمولاً زنان حرمسرا بیشتر اوقات را در خود حرم و تحت مراقبت نگهبانان قرار داشتند ولی در این دوره بانوان تفریحات و سرگرمی‌های خاص خود را نیز داشته‌اند. معمولاً حرم محل دسیسه و توطئه چینی بر علیه یکدیگر بوده است. "حرمسرا بنای مجزا و مستقلی است که با دیوارهای بلند محصور شده است. زنان و کودکان در حرمسرا (یا اندرون) به سر می‌برند. حرمسراها بسیار وسیع و از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است. هر زن اتاق مخصوص به خود دارد. کودکان که معمولاً تعدادشان بسیار زیاد است همچنین کنیزان هر یک اطاقهای مخصوص دارند. هر حرمسرا دارای انبارها، حمام‌ها، انبار اغذیه و خوابگاه خاص رئیس خانواده که غالباً خود سالن بزرگی است می‌باشد."^۳

زنان در اتاق‌های داخل منزل که به عربی حرم و به فارسی اندرون نامیده می‌شود سکونت دارند. لفظ حرم به معنی مقدس است که ورود آن برای هر مرد غریبه به شدت منع دارد. هر گاه زنان متعددی در یک خانه ساکن باشند، هر یک از آن‌ها در قسمتی خاص مستقر است و در منازل ثروتمندان هر زن برای خود حیاط، خدمه و آشپزخانه، غلامان و خواجهگان مخصوص دارد. هیچ زنی نه برای خود و نه برای فرزندش هرگز از غذا و دست پخت هویش استفاده نمی‌کند زیرا همواره از سوء نیت آن‌ها در هراس است.^۴ زنان و کودکان شاه، کنیزان و سایر خدمه سیاه و سفید، در اندرون سلطنتی بسر می‌بردند. اندرون متشکل است از سه حیاط بزرگ مربوط بهم و یک قسمت مخصوص برای مادر شاه که به وی والده یا مهد علیا می‌گویند. اداره امور به دست خواجه باشی است که هشت خواجه دیگر هم زیر دست خود دارد. همه آن‌ها دارای عنوان آغا هستند. از آن گذشته اندرون دارای حمام و خزینه سلطنتی است که کلیدهای آن‌ها را اغلب خواجه اول حفظ و حراست می‌کند.^۵ زنان درباری در این دوره جدا از محدودیت‌هایی که در حرم داشتند عده ای از آنان نیز

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همانجا.

۳. درویل، صص ۷۴-۷۳.

۴. پولاک، ۱۵۷-۱۵۶.

۵. همان، ص ۱۶۱.

مورد توجه شاه بودند و می‌توانستند در امور سیاسی نقش داشتند و یا افراد خاندان خویش را به مناصب مهم کشوری بگمارند. از جمله زنان مورد توجه ناصرالدین شاه، جیران خانم بود که بعدها به فروغ السلطنه ملقب شد.^۱ وی دختر نجار فقیری از اهالی قریه تجریش در نزدیکی تهران بود. بر شاه نفوذ بسیاری پیدا کرد و مردم این نفوذ را در اثر سحر و جادو می‌دانستند. وی موفق شد که تمام زنان عقدی را، که از آن پس ناگزیر در اندوه و عزلت بسر بردند، از چشم شاه بیندازد. پدر وی به حکمرانی یکی از ولایات منصوب شد، برادر و یکی دیگر از خویشان نزدیکش، که هیچ کدام خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، به سمت فراش خلوت شاه برگزیده شدند^۱ یکی از مهم‌ترین زنانی که در امور سیاسی مداخله می‌کرد مهد علیا همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه بوده است. زنان در این دوره توانستند نفوذ خود را در جریان‌ات سیاسی پر رنگ کنند.^۲

ملکه مادر که به والده شهرت دارد دارای نفوذ بسیاری است که بخصوص آن را به هنگام انتصاب حکام، وزراء و ازدواج‌های شاه اعمال می‌کند. از این‌ها گذشته گویا وی در لطفه گوئی و نکته سنجی نیز دستی دارد و در شاعری و نقاشی هم تواناست.^۲ خانم شیل در ارتباط با موقعیت مادر شاه و دیگر زنان درباری در دوره ناصرالدین شاه می‌نویسد: "بعد از اتمام ماه عزاداری من خود را برای ادای احترام و ملاقات با "سرکار مادر شاه" آماده کردم. این خانم در عوض همسر شاه، مهم‌ترین موقعیت را در دربار داراست و این مقام، کاملاً مورد قبول همه زن‌های درباری قرار دارد. همسران شاه معمولاً قدرتی ندارند و به هیچ شمرده می‌شوند، مگر در مواقع استثنایی، مثل تاج الدوله در زمان سلطنت فتحعلی شاه، که از یک مکان محقرانه به جایگاهی رفیع رسید و قدرت فراوانی کسب کرد.^۳

همچنین در بین دختران شاهان قاجار نیز، زنان اهل هنر و امور فرهنگی نیز بودند "عصمت: ام السلطنه مشهور به گلین خانم از زنان خوشنویس و شاعر، وی دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲۵۰ ق) بود. خط نسخ را به زیبایی اساتید فن می‌نوشت و چند جلد قرآن کریم کتابت کرد و وقف اعتاب مقدسه نمود. عصمت گهگاه به اقتضای طبع شعر می‌گفت. عفت: قرن سیزدهم هجری، همایون سلطان خانم مشهور به خانم خانمان از زنان عارف، شاعر و خوشنویس وی نخستین دختر فتحعلی شاه قاجار بود. وی از علوم نجوم، هیئت و مقدمات عربی بهره داشته، خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌سرود. فخرالدوله دختر عباس میرزای قاجار (۱۲۰۲۱۲۴۹ ق) و نوه فتحعلی شاه قاجار بود. زنی مدیر و مدبر و در تیز هوشی ضرب المثل بود و در هنر شعر و خط و نقاشی مانند نداشت. او همچنین از مستمندان دستگیری می‌کرد و موقوفات و خیراتی نیز داشت. فخرالدوله: توران آغا متخلص به فخری و بی نشان از زنان از زنان نیکوکار، شاعر و هنرمند. وی دختر خازن الدوله و دختر هفتم ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴۱۳۱۳ ق) بود. او در هنر نقاشی، منبت کاری و خوشنویسی مهارت داشت و دارای طبعی موزون و اخلاقی حسنه

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. شیل، صص ۷۱ و ۷۳.

بود و در دستگیری از نیازمندان و یتیمان اهتمام می‌ورزید.^۱ علی رغم نفوذ زنان در این دوره، زنان حرمسرا محدودیت‌های خاص خود را داشتند و تحت مراقبت قرار می‌گرفتند: "زنان شاه غالباً شب هنگام به گردش می‌روند. اگر تصادفاً سیاحت آن‌ها به روز افتاد، از تیغ آفتاب خواجه سرایان آن‌ها را احاطه کرده و مراقب چادر و روبنده‌شان هستند. ضمناً سواران گارد از جلو و عقب و جناحین به فاصله دویست قدم روان می‌شوند. وظیفه سواران مزبور به دور کردن کسانی است که بر سر راه پیدا می‌شوند. رهگذران مجبوراند به محض برخورد با حرم شاهی روی خود به سوی دیگر برگردانند وگرنه بلافاصله بدست زیردستان خواجه باشی قطعه قطعه خواهند شد."^۲

بنابراین علی رغم نفوذ بعضی از زنان حرمسرا که مادر شاه، زنان ارشد و سوگلی‌های آنان هستند، و در امور سیاسی مداخله می‌کردند ولی در محدودیت و مراقبت قرار داشتند. پولاک در مورد سرنوشت زنان شاه می‌نویسد: "روی هم رفته سرنوشت زنان شاه به هیچ وجه نمی‌تواند مایه رشک و حسرت باشد. نه تنها از این جهت که غالباً شاه به یکی می‌پیوندد و از دیگران می‌برد، بلکه از این بابت که این‌ها کاملاً جدا از دیگران و تقریباً در اسارت بسر می‌برند؛ علاوه بر این فقط از حداقل وسایل زندگی برخوردارند. مستمری متوسط پنجاه تومان در ماه بزمحت برای تأمین مخارج بسیار لازم تکافو می‌کند زیرا هر زنی بر حسب درجه و مقام و برای حفظ امنیت شخصی خود ناچار است آشپزخانه خاص داشته باشد و غلام و کنیز مخصوص نیز برای برقراری ارتباط و مرآده با عالم خارج نگهدارد. لباس‌های گرانبه‌ایم شال و جواهری که زنان شاه بچنگ می‌آورند همه جزء اموال سلطنتی است و نمی‌توان آن را به مصرف شخصی رساند. وای بر آن زنی که اجاقش کور باشد یا در اثر شور بختی بچه‌اش بمیرد؛ فقط امید آن‌ها به آن بسته است که در پیری از اندرون خارج شوند و سالهای آخر عمر را نزد پسرشان بسر برند.^۳ معمولاً زنان سلطنتی و دربار قاجار وقتی همراه شاه به سفری می‌رفتند تحت مراقبت شدید خواجه سرایان قرار داشتند و این امر با تشریفات خاصی صورت می‌گرفت." معمولاً زنان حق دخول به اتاق‌های بیرونی قصر سلطنتی را ندارند، فقط گاهی شاه تمام مردان دور و برش را مرخص می‌کند و آنگاه به زنان اجازه می‌دهد که به قصر بیایند، به این کار قروق می‌گویند. هر گاه شاه به سفر یا به جنگ برود فقط یک زن را به همراه می‌برد؛

دیگران باید در غیاب وی به یکی از بیباک‌ها بروند. هر گاه یکی از زنان خاندان سلطنت با اسب از خانه خارج شود و این امر فقط در سفرها و انتقال‌ها صورت می‌پذیرد، چون در غیر این موارد مجاز به ترک قصر

۱. رجبی، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی از آغاز تا مشروطه، تهران، صص ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۸۰، همچنین برای آشنایی با زنان حرمسرا دوران ناصرالدین شاه قاجار ر.ک: (طاهری، ناصرالدین شاه و حرمسراهایش، صص ۲۰۸ تا ۲۱۹).

۲. دروویل، ص ۱۷۸.

۳. پولاک، صص ۱۶۴-۱۶۳.

نیست، تمام کسانی که با قافله او و همراهانش برخورد کنند باید به محض شنیدن فریاد خواجه‌ها مخفی شوند یا راه خود را طولانی کنند و دور بزنند.^۱

زنان درباری تنها اجازه دید و بازدید با بستگانشان را دارند. هرگز بدون آن که در کالسکه ای محصور و مسدود شوند و خواجه سرایی در جایگاه ویژه کالسکه ران همراهیشان کند، بیرون نمی‌روند. در حالی که کالسکه از دورن شهر می‌گذرد، عموماً پنجره‌ها یا پرده‌های آن بسته یا کشیده است و سوارانی پیشاپیش آن در حرکت‌اند و فریاد "دور شو، کور شو" بر می‌آورند.^۲ همچنین حرمسرایی که زنان در آن زندگی می‌کردند محیط رعب و وحشت انگیز رقابت زنان درباری برای نزدیکی به شاه و بدست آوردن مقام‌های بالای کشوری برای افراد خویش بود. با توجه به محدودیت‌هایی که برای زنان حرمسرا وجود داشت آن‌ها سعی می‌کردند تا اوقات خود را به گونه ای بگذرانند. برگزاری و توجه به امورات مذهبی، زیارت قبور ائمه دین و امام زادگان و به جا آوردن مراسم حج از جمله اموری بود که بانوان حرمسرا انجام می‌دادند. همراهی زنان دربار با شاه در سفرهایش فرصتی به آنان می‌داد تا با محیط بیرون از حرمسرا بیشتر ارتباط پیدا کنند و به نوعی سرگرمی آنان محسوب می‌شد.

زنان شاه معمولاً سوار اسب مسافرت می‌کنند. ولی اگر از سواری ناراحت شدند مجازاند از وسیله نقلیه ای بنام (تخت روان) استفاده کنند.^۳ زنان خانواده سلطنتی و همسران وزیران و مقام‌های بلند پایه، خیلی کم درخواست ملاقات زانی را که موقعیت پائین تری دارند رد می‌کنند. آنگاه آنان ابتدا، به داخل اندرون هدایت می‌شوند و آنجا گاهی در ته ساختمان ساعت‌ها، نشسته یا سرپا منتظر می‌مانند. البته مانند زنان طبقات بالا، با قلیان و قهوه و چایی مورد پذیرایی واقع می‌شوند.^۴ در میان زن‌های ایل قاجار و به خصوص خانواده سلطنتی، تعداد افراد باسواد خیلی زیاد است و اکثر آن‌ها مکاتبات خود را شخصاً و بدون کمک میرزاهای می‌نویسند. یکی از سرگرمی‌های رایج برای وقت گذرانی زن‌های وابسته به خاندان قاجار، کارهای آشپزی و یا حداقل نظارت بر آن است. تهیه شیرینی‌های بسیار خوشمزه که نمودار مهارت و هنر زنان کدبانوست، نیز گاهی به وسیله آن‌ها انجام می‌شود.^۵ نوع پوشش بانوان حرمسرا نیز به گونه ای متفاوت بود. "لباس‌های زنان که در حرمسرا می‌پوشند با آنچه در کوچه و خیابان به تن دارند سخت متفاوت است، زیرا لباس کوچه و بازار را از این جهت تهیه می‌کنند تا همه قسمت‌های بدن را از چشم عابران بپوشاند و به اصطلاح همه زنان را از

۱. پولاک، ص ۱۶۴.

۲. کولیور ریس، ص ۳۲.

۳. دروویل، ص ۱۷۹.

۴. سرنا، ص ۱۰۹.

۵. شیل، ص ۸۹.

لحاظ ظاهر به یک شکل و صورت در آورد.^۱ در دوره فتحعلی شاه، خانم‌ها جامه‌های ابریشمی و حریر و شلوارهای گشاد و مخملی و کت‌های گلدوزی می‌پوشیدند.^۲

نوع پوشش زنان حرمسرا در بیرون از حرم و برای مسافرت متفاوت بود. دروویل می‌نویسد: "آن‌ها در سر راه لباس‌های عادی خویش را با چند شال بلند کشمیری سرخ رنگ می‌پوشاندند، بجای روبند نیز از شال دیگری که تمام صورت را بجز چشم‌ها می‌پوشاند استفاده می‌کنند. زنان شاه پاپوش‌های پهنی از ماهوت زرین به پا می‌کنند.^۳ همچنین در مورد نوع پوشش زنان دربار در درون حرمسرا در دوره ناصرالدین شاه کرزن می‌نویسد: "قسمت فوقانی لباس شامل پیراهنی است که در زیر جاکت کوتاهی است که در پائین آن زیر دامن‌های خیلی کوتاه و جادار بکار می‌برند. در موقع خروج از حرم خانه بانوان حرم مثل تمام زنان مسلمان سخت در حجاب‌اند.^۴ خانم شیل در ارتباط با لباس مادر شاه در هنگام ملاقات با وی می‌نویسد: "مادر شاه لباس مجللی در برداشت. شلیته زربفتی پوشیده بود که این شلیته‌های ایرانی خیلی گشاد هستند. لبه‌های شلیته مادر شاه با یک ردیف مروارید نصب شده در روی گلابتون، تزیین گردیده بود. یک زیرپوش نازک آبی رنگ ابریشمی نیز به تن داشت که لبه‌هایش مروارید دوزی شده بود. روی این زیرپوش یک جلیقه کوتاه از مخمل به تن داشت که تا کمر می‌رسید و لبه‌های آن در پایین از هم دور می‌شد. روی سرش نیز یک روسری شال انداخته بود که در زیر چانه به وسیله سنجاق به هم متصل می‌شد و روی این شال رشته‌هایی از مروارید درشت و قطعاتی از الماس نصب بود.^۵ همانطور که اشاره شد از جمله وظایف زنان اعم از شهری و روستایی نگهداری و مراقبت از فرزندان خود بود ولی در حرمسرا، نگهداری کودکان از دوران کودکی تحت افرادی با عنوان دده و لله قرار می‌گرفت. "از سال پنجم زندگی دیگر شاهزاده را به لله می‌دهند و لله وی را مبادی علوم و ادب می‌آموزند."^۶ بنابراین زنان بیرون از حرمسرا، اعم از زنان شهری و روستایی با وجود تمام مشقات زندگی‌شان روابط آزادتر و دوستانه تری نسبت به زنان حرمسرا در ارتباط با انجام فعالیت‌ها و سرگرمی‌ها و آداب معاشرت خود داشتند.

نتیجه

با توجه به آنچه از خلال سفرنامه‌های دوران قاجار بررسی شد، موقعیت اجتماعی زنان به لحاظ اینکه روستایی، شهری و درباری بودند، متفاوت بود. بین زنان شهری، زنان درباری و ثروتمند جامعه نوع پوشش

۱. پولاک، ص ۱۱۵.

۲. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۵۳۷.

۳. دروویل، ص ۱۷۹.

۴. کرزن، ایران و قضیه ایران، ۱۳۶۲/ج ۱، ص ۵۳۸.

۵. شیل، ص ۷۳.

۶. پولاک، ص ۱۶۵.

و جنس زیورآلات و آرایش آنان به گونه ای متفاوت از سایر زنان بوده و همین تفاوت در بین زنان خوانین بختیاری با سایر زنان ایل وجود داشته است. زنان شهری در این دوره در اجتماع حضور داشتند و در فعالیت‌های اقتصادی نیز مشارکت می‌کردند. زنان روستایی، ایلاتی و ترکمان نیز در این دوره عمدتاً به فعالیت‌های خانگی و هر آنچه مرتبط با اقتصاد خانواده می‌شد فعال بودند. نقش زنان روستایی و عشایر در دو حوزه تولیدات دامی و صنایع دستی و بافتن قالی و به خصوص نقش زنان شهری در کارگاه‌های تولیدی و بافتن قالی حائز اهمیت می‌باشد. اما زنان درباری علی‌رغم مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، در محدودیت و مراقبت نخبانان درباری که همان خواجه سرایان بودند، می‌باشند. در مقایسه با زنان درباری می‌توان گفت که زنان شهری و روستایی از لحاظ روابط اجتماعی آزادتر بودند. بنابراین نقش زنان در دوران قاجار با توجه به موقعیت اجتماعی آنان اعم از اینکه روستایی، شهری و درباری متفاوت بوده است و نوع پوشش، مراسم ازدواج بین طبقات ضعیف و غنی، انواع سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آنان تفاوت داشته است. به طور کلی زنان اعم از شهری، روستایی، عشایر و بختیاری و... نیمی از جامعه دوره قاجار بودند که نقش مهمی را در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایفا می‌کردند.

منابع و مآخذ:

- اولیویه، گیوم آنتوان، *سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعیاقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
- العاملی، جعفر، *الصحيح من سيره النبي*، ج ۴، ج ۳، دارالهاديادارالسیره، بیروت، ۱۴۱۵.
- بارنز، آکس، *سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحلی شاه قاجار*، ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، ۱۳۶۶.
- براون، ادوارد گرانویل، *یک سال در میان ایرانیان: مطالعاتی در خصوص وضع زندگی و اخلاق و روحیات ملت ایران*، ترجمه ذبیح الله منصور، تهران، معرفت، بی تا.
- بل، گرتود، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، ج ۱، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
- پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک "ایران و ایرانیان"*، ترجمه کیکاووس جهاندار، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
- دروویل، گاسپار، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، ج ۲، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۴۸.
- دوگوبینو، ژوزف آرتورکنت دو، *سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا (۱۸۵۵-۱۸۵۸)*، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، کتاب سرا، ۱۳۶۷.
- _____؛ *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح الله منصور، تهران، فرخی، بی تا.
- دالمانی، هانری رنه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه*، ترجمه فره وشی مترجم (همایون)، تهران، چاپ گیلان، بی تا.
- رجبی، محمد حسن، *مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی از آغاز تا مشروطه*، تهران، سروش، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- سرنا، کارلا، *سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، چ ۱، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
- شیل، مری لئونورا (ویت)، *خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
- طاهری، علی اصغر، *شیشه چی، زهره، ناصرالدین شاه و حرمسراهايش*، چ ۱، مشهد، داریوش، ۱۳۹۱.
- فریزر، جیمز بیلی، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران*، ترجمه منوچهر امیری، ج ۱، تهران، توس، ۱۳۶۴.
- کرزن، جرج ناتیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

- کولیور رایس، کلارا، *سفرنامه کلارا کولیور رایس: زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- لایارد، اوستن هنری، *سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران، وحید، ۱۳۶۷.
- مونس الدوله، *خاطرات مونس الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه*، به کوشش سیروس سعدونیان، تهران: زرین، ۱۳۸۰.
- نیکیتین، باسیل، *خاطرات و سفرنامه موسیو نیکیتین قنسول سابق روس در ایران*، ترجمه علی‌محمد فره وشی (مترجم همایون)، ج ۲، تهران، معرفت، ۱۳۵۶.
- نولدکه، تئودور، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها*، ترجمه عباس زریاب، ج ۳، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- ویلز، چارلز جیمز، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سید عبدالله، بکوشش جمشید دودانگه، مهرداد نیکنام، ج ۱، ج ۱، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۳.
- ویلسن، کریستین جی، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات ساولی، ۱۳۶۶.